The Quiddity of Registration: The Continuity of Cultural Sustainability from the Past to the Present

Abdullah Nasrollahi *

University Lecturer, Young Researchers and Elites Club, Robat Karim Branch, Islamic Azad University, Iran.

Abstract

Since ancient times, the issue of registration in various areas of life has always been with mankind. Registration is a cultural issue and is considered a reflection of various cultural areas of mankind. Every work left by man in the past, whether it was in the form of an image or a line, reflects and illuminates a world of material and spiritual information and knowledge like an honest mirror without any pretense or imperfection. The characteristic of all registered subjects throughout history has been their "value and importance" for greater permanence and transmission to the periods ahead of them, and this transfer of value to future generations continues today. In the field of cultural heritage and the protection of historical buildings and cities, the issue of registration is very valuable and important. A noteworthy point in this field is the relevance of re-registration of values. Because we re-register the material or spiritual work registered during the creation period so that it is protected and subject to legal protection and public attention, and most importantly, in the process of sustainable development and handed down to future generations. This article, which is the result of objective observations and library and document studies, describes in an analytical-descriptive manner the nature and importance of registration and how the relationship between registration and value, conservation, and sustainable development is defined. Another goal of this article is to examine the role of registration in the protection of cultural heritage values and its place in the sustainable development process.

Knowledge and Conservation Restoration

Special Issue.No.4
March 2019
Pages 31-37

https://journal.richt.ir/kcr

Corresponding Author

Abdullah Nasrollahi

Email
abdollahnasrollahi@yahoo.com

Keywords: Registration, cultural values, protection, sustainable development, cultural heritage.

Copyright © 2020, Knowledge of Conservation and Restoration. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution noncommercial 4.0. International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]

«ماهیت ثبت»؛ تداوم پایداری فرهنگی از گذشته تا به امروز

عبداله نصرالهی*

مدرس دانشگاه، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحدرباط کریم، دانشگاه آزاداسلامی، رباط کریم، ایران

چکیده

از دیرباز تا کنون موضوع ثبت در حوزه‌های مختلف زندگی، همواره با بشر همراه بوده است. ثبت موضوعی فرهنگی است و بازتاب عرصه‌های مختلف فرهنگی بشر محسوب می‌شود. هر اثری که از گذشته از انسان به جای مانده، چه آنگاه به‌صورت تصویر بوده و یا به شکل خط خودنمایی کرده، جهانی از اطلاعات و دانش مادی و معنوی را مانند آئینه‌ای صادق بی هیچ تظاهر و نقصی، منعکس و روشن می‌سازد. شاخصه تمام موضوعات ثبت‌شده در طول تاریخ «ارزش و اهمیت آن‌ها» به جهت ماندگاری بیشتر و انتقال به ادوار پیشِ روی خود بوده است و این انتقالِ ارزش به آیندگان امروزه نیز ادامه دارد. در حوزه میراث فرهنگی و حفاظت از بناها و شهرهای تاریخی، موضوع ثبت بسیار پرارزش و با اهمیت است. نکته قابل توجه در این حوزه، موضوعیت ثبتِ دوباره ارزش‌هاست. چرا که اثر مادی یا معنوی ثبت‌شده در دوران آفرینش را، دوباره به ثبت می‌رسانیم تا حفاظت شود و مورد حمایت قانونی و توجه همگانی و از همه مهم‌تر در فرایند توسعه پایدار قرار گیرد و به آیندگان سپرده شود. این مقاله که حاصل مشاهدات عینی و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است، به‌صورت تحلیلی-توصیفی به تشریح این موضوع می‌پردازد که ماهیت و اهمیت ثبت چیست و ارتباط ثبت با ارزش، حفاظت و توسعه پایدار چگونه تعریف می‌شود. بررسی نقش ثبت در حفاظت از ارزش‌های میراث فرهنگی و جایگاه آن در فرایند توسعه پایدار از دیگر اهداف این مقاله است.

واژگان کلیدی: ثبت، ارزش های فرهنگی، حفاظت، توسعه پایدار، میراث فرهنگی.

فصلنامه دانش حفاظت و مرمت

ویژه‌نامه: شماره۴، زمستان.۱۳۹۷

صفحات ۳۱-۳۷

https://journal.richt.ir/kcr

نویسنده مسئول

عبداله نصرالهی

رایانامه

abdollahnasrollahi@yahoo.com

مقاله منتخب دوازدهمین همایش دو سالانه حفاظت و مرمت اشیا فرهنگی و تاریخی و تزئینات وابسته به معماری

دسترسی به این مقاله برای همگان آزاد است. هرگونه استفاده غیر تجاری از آن در صورت ارجاع مناسب، مجاز شناخته می‌شود.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]

مقدمه

بشر در رهگذر حیات خود بر روی زمین در طول هزاران سال، آثار و بقایایی برجای نهاده است. این آثار در بعد زمانی و موقعیت مکانی نمایشگر و بازتاب وضعیت و کیفیت زندگانی او در مرحله‌ای خاص و منطقه‌ای معین است. با وجودی که در اثر گذشت زمان پیشرفت در نحوه ساخت آثار و کیفیت بهتر زندگانی منطقی به نظر می‌رسد، ولی به دلایل مختلفی که تابع محیط، منطقه، نیاز و موارد متعدد دیگری است، گاهی اجتماعات سیر تکامل منطقی پیموده و برعکس در دورانی دیگر سیر قهقرایی داشته اند. حاصل جمع این نوسان‌ها و دگرگونی‌ها به‌هرحال پایه‌گذار تمدن‌هایی است که به‌طور کلی در رهگذر پیشرفت جوامع بشری با گذشتِ زمان تکامل یافته، آثار و شواهد ملموسی دال بر این نظریه برجای گذارده‌اند. بدون شک قطعه‌ای سنگ، تکه‌ای سفال، چوبی پوسیده، ساختمانی ویران، یا تپه‌ای فراموش‌شده متضمن و بیانگر وقایعی در چارچوب وجود خویش‌اند و به مصداق زیبا و نغز هاتف اصفهانی که در تکوین عظمت خلقت و طبیعت می فرماید:

دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی (نگهبان، ۱۳۸۵)

نقش مایه‌ها و نگاره‌ها در هنر هر ملتی، گنجینه‌ای است تصویری از آنچه بشر در طی حیات خود آرزو، تخیل، فکر، طلب و یا به آن عمل کرده است. این گنجینه چون میراثی ارزشمند و هویت‌بخش از نسلی به نسل دیگر رسیده و در این سیر، تحت تأثیر عواملی چند نظیر افکار و اعتقادات، نفوذ جریان‌های هنری، خواست حاکمان و سفارش‌دهندگان و خلاقیت هنرمندان تغییر و تحول یافته است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸).

جالب توجه‌ترین آثار هنر پارینه‌سنگی تصویرهایی از جانوران است که بر سطح دیواره‌های سنگی غارها نقر یا نقاشی و یا پیکرتراشی شده‌اند (جنسن، ۱۳۷۹).

این نگاره‌ها در قالب هنرهای مختلف از جمله سفالگری، فلزکاری، حجاری و... به دوران بعد منتقل شدند که در عین تأثیر بر یکدیگر بر دیگر شاخه‌های هنری نیز تأثیر گذاشتند. نمادهای تصویری از طریق این هنرها ثبت و به دوره‌های بعدی انتقال یافته‌اند (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸).

علاقه بشر به ثبت و جاودان کردن وقایع زندگانی خود با بهره‌گیری از عوامل مختلف، مانند لوحه‌های سنگی، لوحه‌های گلی، سنگ‌نبشته‌ها، مهرهای مسطح و استوانه‌ای و نقوش برجسته برای نیل بدین هدف، نشانگر اهمیت و ارزش موضوع ثبت و نیز تداوم و جاودانگی موضوع و مفهوم ثبت بوده است و این موضوع فصل مهم و جالب توجهی را در علم باستان‌شناسی و حفاظت از آثار تاریخی به دست می‌دهد.

نمونه‌های مختلف ثبت وقایع که در آثار باستانی در پهنه دنیای باستان از حوزه دریای مدیترانه تا دره رود سند مشاهده می‌شود، در کشور ایران تجلی خاصی داشته و شواهد مختلف آن به‌صورت سنگ نبشته‌ها، طی قرون متمادی آشکارا بدون شناسایی و تعیین هویت در دیدگاه بشر قرار داشته‌اند و یا ضمن کاوش‌های باستان‌شناسی هویدا شده‌اند. از دیرباز تاکنون، مسأله ثبت و مفهوم ارزش ارتباطی تنگاتنگ با هم داشته‌اند. هرآنچه دارای بارِ ارزشی است، ثبت‌شده و چیزی که ثبت شده است، ارزشِ جاودانه شدن را دارد. قرار گرفتن یک ارزش در فرایند توسعه پایدار در ابعاد گوناگون آن، نیازمند حفاظت از آن در ادوار مختلف است. موضوع «ثبت» سازوکاری است که این مهم را از گذشته‌ای دور تا آینده‌ای نزدیک امکان‌پذیر می‌کند.

اهمیت بازخوانی مفاهیم ثبت

اگر بتوانیم متون مهم گذشته را از نو به سخن بیاوریم، یعنی تارو پودشان را بشکافیم، ساختشان را بشناسیم، زبانشان را حلاجی کنیم، مبانی و مبادی فلسفیشان را بفهمیم، اگر بکوشیم چون باستان‌شناسی محتاط و مجرب، ذهنیت و جهان‌بینی مستتر در هریک از این متون را بازسازی کنیم، رابطه این ذهنیت را با ساخت قدرت زمانش دریابیم، شاید از این راه بتوانیم بالمآل، ذهن و زبانی نقاد و خودبنیاد بیابیم که هم از قید سنت فارغ است، هم از تقیّد و تعبّد از غرب، هم رنگ و بافتی بومی دارد، هم پشتوانه‌ای جهانی. هر متنی در ملتقای تحولات سیاسی، ادبی، سبکی، فکری، زبان‌شناختی و فنی زمان خویش شکل می‌گیرد (میلانی، ۱۳۸۷).

هیچ متنی معنای مطلق ندارد. معنای هر متن عارضی است، یعنی تابعی است از فرهنگ حاکم در زمان قرائت. به عبارت دیگر، هر قرائتی به مدد و از بطن ارزش‌هایِ حاکم در زمان قرائت شکل می‌گیرد (همان). ارزش، عبارت است از بار معنایی خاصی که انسان به برخی از اعمال و پاره‌ای حالت‌ها و بعضی پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل است (رهنما، ۱۳۸۸).

بنابراین تنها خطوط نوشته‌شده بر لوح‌ها مطمح نظر نیست، بلکه تمامیت آن مدنظر است و گذشته بیش از تاریخ است. گذشته در تاریخ به منصه ظهور می‌رسد، اما هیچ تاریخی قدرت عرضه تمامی گذشته را ندارد (حجت،۱۳۸۰). باید متن را در بستر تاریخی‌اش دید. هر چه متن و جامعه را بیشتر بکاویم، تاریخ زمان خلق اثر را بهتر بفهمیم، درکمان از آنچه بیهقی «زوایا و خبایای» متن خوانده نیز فزونی می‌گیرد (میلانی،۱۳۸۷) .

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]

اسناد یا متون نوشته‌شده ویژگی‌هایی دارند که از برخی جهات کاملاً از زبان گفتار متمایز است. تأثیر گفتار همیشه بنابر تعریف محدود به زمینه خاصی است که کلمات در آن ادا می‌شوند. اندیشه‌ها و تجربیات در فرهنگ‌های بدونِ خط تنها در صورتی می‌توانند به نسل‌های بعد انتقال یابند که به‌طور منظم به‌صورت گفتار تکرار و منتقل شوند. از سوی دیگر، متون می‌توانند هزاران سال دوام آورند و از طریق آنها کسانی از اعصار گذشته می‌توانند به یک معنا ما را مستقیماً مورد خطاب قرار دهند. علت اهمیت تحقیق اسنادی برای تاریخ‌دانان همین است (گیدنز، ۱۳۸۴).

در حوزه حفاظت بناها و بافت‌های تاریخی، از جنبه تشکیلاتی و قانونی آن، ثبت اثر از جمله فعالیت‌های حفاظتی است. به ثبت رساندن هر اثر فرهنگی-تاریخی در مرحله بررسی ضروری است، این اقدام با توجه به ضوابط و قوانین داخلی در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی انجام می‌شود. نکته قابل توجه در این حوزه، موضوعیت ثبتِ دوباره ارزش‌هاست. چرا که اثر مادی یا معنویِ ثبت‌شده در دوران آفرینش آن را، دوباره به ثبت می‌رسانیم تا حفاظت شود و مورد حمایت قانونی و توجه همگانی قرار گیرد. از همه مهم‌تر در فرایند توسعه پایدار قرار گیرد و به آیندگان سپرده شود.

از آنجا که میراث فرهنگی جلوه‌ای منحصربه‌فرد از دستاوردهای انسانی و دائم در معرض خطرند، ثبت آثار یکی از راه‌های اصولی است که به آثار فرهنگی معنی بخشیده و آنها را مشخص می‌کند و موجب تعریف و تشخیص ارزش‌های این آثار می‌شود. در ماده ۱۶ منشور ونیز به اهمیت موضوع ثبت پرداخته شده و ثبت درست ماهیت میراث فرهنگی را توسط سازمان‌ها و افراد مسئول ضروری دانسته است. در این ماده آمده است: «در تمام اقدامات حفاظتی، مرمت وحفاری همواره باید مستندسازی دقیقی به‌صورت گزارش‌های علمی و تحلیلی مصور با استفاده از نقشه و عکس انجام شود. تمام مراحل کار خواناسازی، استحکام‌بخشی، ترتیب مجدد و یک‌پارچه کردن و نیز ویژگی‌های شکلی و تکنیکی‌ای که در جریان کار شناخته می‌شود، باید درگزارش آورده شود. این اسناد باید در اختیار یک سازمان دولتی قرار گیرد تا در صورت لزوم محققان بتوانند به آن دسترسی داشته باشند. توصیه می شود که گزارش کار منتشر شود» (فیلدن و یوکلیهتو، ۱۳۸۶).

تهیه اصولی برای ثبت آثار تاریخی و مجموعه بناهای قدیمی در یازدهمین جلسه عمومی ایکوموس در صوفیه بلغارستان در روزهای پنجم تا نهم اکتبر سال ۱۹۹۶م. مطرح شد و به تصویب رسید. در این سند، دلایل و ضرورت ثبت آثار این‌گونه عنوان شده است:

۱. کسب اطلاعات لازم برای شناخت میراث فرهنگی، ارزش‌های آن و دگرگونی‌های مربوط به آن؛

۲. برای بیشتر کردن علاقه و مشارکت مردم در صیانت از میراث از راه انتشار اخبار مربوط به ثبت آن‌ها؛

۳. صدور مجوز برای کنترل کارهای ساختمانی و کلیه تغییرات مورد نیاز در این آثار؛

۴. برای اطمینان از این کار که نگهداری و حفاظت از میراث نسبت به فرم کالبدی، مصالح، ساختمان و مشخصه‌های تاریخی و فرهنگی آن حساسیت لازم را دارد (همان).

ترس از بی هویت شدن و انقطاع تاریخی بین گذشته، حال و آینده در نتیجه تخریب عناصر با ارزش میراثی و فرهنگی زمینه تلاش مستمری را به‌منظور حفظ ارزش‌ها در ابعاد معنوی و مادی در بین جوامع و حکومت‌ها پدید آورده است (رهنما، ۱۳۸۸).

ثبت-ارزش-هویت

ارزش‌ها به مرور زمان هویت یک ملت، قوم و گروه را تشکیل می‌دهند. زیرا مفهوم هویت به چیستی و شخصیت اشیاء اشاره دارد و با طبیعت و ماهیت اشیاء آشکار می‌شود. هر شیء دارای صفات و ویژگی‌های منحصربه فردی است که آن را از دیگر اشیاء متمایز می‌کند و بر این اساس در فرهنگ وبستر کلمه «هویت» به مفهوم «مشابهت» آمده است و به مفهوم تشابه با خودی و تمایز با غیر است (رضوانی، ۱۳۸۴). همچنین هویت به معنی صفات، باورها، احساسات و اعتقاداتی است که مردم را از یکدیگر متمایز می‌کند (Wehmeier, 2005).

مردم به‌واسطه دلایل برآمده از تداعی معانی جمعی و شخصی از معماری و منظر متمایز آن، پیوندش با افراد و وقایع مهم، بستر زمین و گونه‌های گیاهی وجانوری‌اش، یک مکان را ارزش‌گذاری می‌کنند. چرا که آن را زیبا و اغواگر یا دارای نقشی همچون کانون اجتماعی می‌یابند. این‌ها مثال‌هایی از ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی در محیط تاریخی هستندکه مردم خواهان لذت بردن و پاسداری از آن به‌منظور بهره‌وری امروز و نسل آینده، از سطحی ملموس و محلی تا مکان‌های پر قدر ملی و بین‌المللی هستند (English heritage, 2008).

ارزش‌ها عمدتاً ممکن است جنبه نظری و تئوریکی داشته و به‌صورتی بصری قابل مشاهده نباشند. ازاین‌رو، تبدیل ارزش‌های نظری به‌صورت تصاویری بصری که هویت نامیده می‌شود، می‌تواند نقش عمده‌ای در ابقا و آشکارسازی و ثبت آن داشته باشد (رهنما، ۱۳۸۸).

گذار از ارزش‌ها به هویت در جوامع مختلف به‌خصوص در جوامع جدید دارای اهمیت زیادی است. هویت اجتماعی انعکاس هویت‌های ملی، منطقه‌ای، نژادی و فرهنگی است. حفظ جوامع سنتی از راه‌های ارتباط با هویت فرهنگی است، اما برای زندگی بهتر و بقاء عملکردی باید با

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]

ابتکارهای فن‌آورانه ترکیب شود. در نمونه ساخت جدید بر روی الگوی قدیمی، نباید یک الگو تنها کپی شود، بلکه کاربرد هوشمندانه مفاهیم برای توسعه اشکال مناسب برای زمان نیز باید در نظر گرفته شود. بنابراین، هویت با نوعی پویایی خاص و پیوستگی همراه است (رهنما، ۱۳۸۸). روش‌های مختلفی برای ایجاد هویت اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش‌ها می‌توانند به‌صورت مجزا یا با هم کاربرد داشته باشند. از جمله:

۱. توجه به مفاهیم ثبت‌شده در آثار فرهنگی؛
۲. حفظ آثار تاریخی و توجه به موضوع ثبت آثار؛
۳. اجتناب از روند یکنواخت‌سازی و یک‌شکل کردن توسعه‌های جدید

ثبت –هویت-تداوم

وقتی هویت جامعه‌ای برگرفته از ارزش‌های آن شکل گرفت، برای نشان دادن هویت به تداوم و پایداری نیاز پیدا می‌کند.در فرهنگ لغت دهخدا و معین زیر عنوان ثبت اینگونه آمده است: قرار دادن، برجای بودن، ثبوت، استواری، پایداری، حجت، دلیل، برهان، نوشتن.

واژه ثبت، معنای تداوم و ماندگاری را در خود دارد. تبدیل ارزش‌های هر جامعه به هویت، نگرانی تداوم و جاودانگی را در پی دارد؛ بنابراین به توجه، مستندسازی، استفاده مداوم و ثبت نیاز پیدا می‌کند. در این بین توجه به همه ابعاد پایداری و تداوم در دستور کار قرار می‌گیرد، توجه به جنبه پایداری اجتماعی و فرهنگی، توجه به جنبه پایداری اقتصادی و مورد اهمیت قرار دادن جنبه زیست محیطی، تا تداوم و تعاملی هدفمند و یکپارچه صورت پذیرد.

باید زمینه‌ای فراهم ساخت تا انسان بتواند در محیطی مطمئن به تلاش معنوی و مادی خود برای استمرار زندگی و بقای طبیعت ادامه دهد، چراکه بدون امنیت زیست‌محیطی جهانی، نمی‌توان امنیت ملی و حتی اجتماعی را تضمین نمود (سفلایی، ۱۳۸۲) .انسان معنوی همیشه طبیعت را چون وسیله‌ای برای بهتر شناختن آفریدگار کاویده است. شکل‌ها و فضاهای طبیعت، از آن‌جا که آفریده‌ها و نمادهایی خدایی هستند، ازلی و از هرآنچه آدمی خلق می‌کند، جامع‌ترند (جودت، ۱۳۸۰)

جهان پیشرفته به این واقعیت رسیده است که باید به طبیعت برگردد و انرژی عزیز و پاک یا سبز خود را از دست ندهد (نظری‌زاده، ۱۳۸۵). پیش از دهه ۸۰ میلادی اندیشمندان و برنامه‌ریزان توسعه، بیشتر بر بعد اقتصادی تاکید می‌کردند که نتیجه آن توسعه و تخریب محیط زیست بود. از آن زمان به بعد توسعه پایدار نزد اندیشمندان جایگاهی ویژه یافت. این نوع توسعه دارای ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی و سیاسی است که در ارتباط با هم فرایند توسعه را شکل می‌دهند (حقیقی، ۱۳۸۸). البته توسعه به ارزش‌ها و باورهای ویژه‌ای نیاز دارد که در کمبود یا نبود آن‌ها گذار به یک جامعه بهتر میسر نیست، این ارزش‌ها که در چهارچوب فرهنگ مطرح می‌شوند، لزوماً ویژه یک فرهنگ یا ملت نیستند، بلکه بشری‌اند و در میان ملت‌های مختلف کم و بیش وجود دارند (بشیریه، ۱۳۸۱).در ملت‌هایی که این ارزش‌ها پایدارترندو ریشه گرفته‌اند، توسعه اجتماعی نیز موفق‌تر بوده است (برزگر، ۱۳۷۵).

در بحث از توسعه مفهوم مشخصی به ذهن متبادر می‌شود، اما ایده پایداری وقتی همنشین توسعه می‌شود، بیانگر سنت مدرنیسم است، اما هم‌زمان تاکید آن بر تنوع فرهنگی، بیان صریحی از پست مدرنیسم هم است. از طرف دیگر میراث تاریخی که توسعه از آن ناشی شده است، به ایده پیشرفت دوران روشنفکری برمی‌گردد. از این نظر عده‌ای معتقدند که همراه شدن ایده پیشرفت با محدودیت‌های زیست‌محیطی نشانگر نوعی توسعه پساروشنفکری است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۱).

پایداری نگرشی است که از تغییر نگاه انسان به جهان متولد شده است. به دنبال طرح مسائل جدی زیست‌محیطی، نظیر آلودگی، افزایش دمای کره زمین و نابودی منابع طبیعی، بحث توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ از طریق گزارش برونتلند تحت عنوان «آینده مشترک ما» توسط کمیسیون جهانی محیط و توسعه در دستور کار قرار گرفت. بر طبق سند مزبور سیستم برنامه‌ریزی و طراحی شهری به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های مهم برای پیگیری توسعه پایدار معرفی می‌گردد. معماری به‌عنوان مقوله‌ای که درباره رابطه انسان و محیط تصمیم‌گیری می‌کند، برای پایدار بودن باید از جایگاه ارزشی- اخلاقی مبتنی بر تفکر پایداری تبیین شود (اسدپور، ۱۳۸۵).این موضوع در مباحث فرهنگی و اجتماعی نیز خود را نشان می‌دهد. توسعه پایدار برخلاف توسعه معمولی صرفاً درصدد به حداکثر رساندن اهداف نظام اقتصادی نیست، بلکه می‌خواهد به‌طور همزمان اهداف نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی را به حداکثر برساند. توسعه پایدار را می‌توان تلاش برای برقراری آشتی میان پیشرفت و توسعه و حفاظت از محیط زیست و منابع موجود در جهان دانست (رضائی نیا، ۱۳۸۶).

ثبت-تداوم-پایداری فرهنگی

در بحث تداوم و پایداری جنبه‌های مختلفی قابل بررسی هستند، پایداری محیطی، پایداری فرهنگی-اجتماعی و پایداری اقتصادی.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]

تامل بیشتر در موضوع ثبت حاکی از آن است که مفهوم پایداری در عرف‌های قدیمی و فرهنگ‌های کهن بشر هم ریشه داشته و در زندگی سنتی، در قالب تکریم و حرمت‌گذاری به طبیعت و منابع طبیعی (به‌عنوان بخشی از فرهنگ جامعه قدیم) جلوه‌گر شده است. ازاین‌رو می‌توان فعالیت‌های دهه‌های پایانی قرن بیستم را به‌مثابه تلاشی برای احیاء این مفاهیم کهن دانست، تلاشی که در قالبی جامع‌تر، علمی‌تر و کاربردی‌تر انجام می‌گردد (موسوی، ۱۳۸۳). اعتقادات دینی و ملی و فرهنگی ما توجه خاصی به خلاقیت، ابتکار و حفظ و نگهداری میراث زیست‌محیطی و آثار فرهنگی دارد. روند تخریب منابع طبیعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، از بین رفتن آثار فرهنگی و یادمان‌های تاریخی، توسعه موزون را در یک کشور به توسعه ناهمامنگ سوق می‌دهد (رضوانی، ۱۳۷۹).

ارزش‌های موجود در هر جامعه نقش اساسی در شکل‌دهی کنش افراد و اعضای آن در زندگی اجتماعی به عهده دارد. انسان‌ها اهدافی را دنبال می‌کنند که برای آن‌ها ارزشمندند. با شناخت ارزش‌ها و سلسله مراتب ارزشی حاکم بر جامعه امکان نظارت اجتماعی افزایش می‌یابد. از دیدگاه جامعه‌شناسان «ارزش‌ها» محصولات اجتماعی هستند که در کنش و تعاملات انسانی ایجاد و منتقل می‌شوند (رهنما، ۱۳۸۸).

اصولاً وقتی شهروندان درباره جهان اطراف خود چیزهای بیشتری یاد می‌گیرند و هریک از آن‌ها در زمینه فعالیت‌های مورد نظر، بخشی از فرهنگ جهانی می‌شوند و وقتی که شهرنشینان فرهنگ خود را غنی می‌سازند، آنگاه نسبت به لزوم حفظ محیط طبیعی و اجتماعی هوشیار می‌شوند (رضوانی، ۱۳۷۹).

وقتی که انسان‌ها و جوامع به تحسین و قدردانی از زیبایی مناظر طبیعی، حیات نباتی و حیوانی، اماکن باستانی، خانه‌های قدیمی، نقاشی‌ها و مجسمه‌های زیبا، موسیقی، فرهنگ و ادبیات عامه و نظایر آن بپردازند، در آن صورت طرفدار سرسخت حافظت نیز خواهند شد (همان). از سوی دیگر بشر در مقابله با مرگ، پیام خود را از نسلی به نسل دیگر می‌سپرد و بدینسان تداوم تاریخ خود را تضمین می‌کند که ملت‌ها را قادر می‌سازد هویت مشترک خود را علیرغم تغییرات زمانه حفظ کنند. بدین ترتیب آثاری که چارچوب معنوی یا مادی، ادبی یا هنری دارند، این تداوم را تشکیل می‌دهند (مختارامبو، ۱۳۶۱).

با حاکمیت نگرش علمی، بهره‌گیری از فناوری و همراه با ارزیابی درست زیست‌محیطی، ثبت اثر تاریخی ابتدا باید به‌عنوان فرهنگ در هر منطقه شکل گیرد. با ثبت اثر، ارزش‌های هر دوره به نسل آینده منتقل می‌شود، عناصر مثبت فرهنگ شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و حقوق گذشتگان و آیندگان محترم شمرده می‌شود. تمامی این موارد با قانون‌مداری و آموزش و مشارکت مردم به‌طور آگاهانه که باعث غرور و افتخار آنان نیز می‌شود، در فرایند توسعه پایدار نقش مؤثری ایفا می‌کند و می‌تواند به حفاظت بهتر اثر تاریخی بیانجامد و حتی نهایتاً با اطلاع‌رسانی به توسعه گردشگری نیز کمک کند. در مجموع، اندیشه جدید توسعه پایدار مبنی بر آن است که با تفکر سیستماتیک و نظام‌یافته، همه چیز را در محیط زیست در پیوند با یکدیگر مد نظر قرار دهیم.

از مهم‌ترین معاهدات و بیانیه‌هایی که به بررسی موضوع توسعه پایدار می‌پردازد، می‌توان به معاهده ماستریخت (۱۹۹۲م.) که به بحث «توسعه پایدار و حفاظت از میراث تاریخی فرهنگی» می‌پردازد، بیانیه آنتونیو (۱۹۹۶م.) و بیانیه استکهلم (۱۹۹۸م.) اشاره کرد که موضوع «نیل به توسعه پایدار» را عنوان می‌کند. معاهده ماستریخت سعی بر آن داشت تا با ارتقاء مشارکت مردم، توسعه پایدار همراه با حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی در دستور کار قرار گیرد.

در بیانیه آنتونیو (۱۹۹۶م.) عنوان شده است که درک یک مجموعه تاریخی براساس شناسایی اصالت آن در طول زمان میسر و مرتبط با ارزش‌های اجتماعی است، زیرا مجموعه‌های تاریخی از پیام‌های مفهومی غنی برخوردارند. این بیانیه بهکارگیری نگرش حفاظتی را مورد توجه قرار داده و توسعه پایدار را امری ضروری برای محدوده‌های فرهنگی قلمداد می‌کند (رهنما، ۱۳۸۸).

بیانیه استکهلم در ۱۹۹۸م. شکل گرفت و در آن طرح و اعاده حقوق میراث فرهنگی به جوامع بشری به‌منظور نیل به توسعه پایدار مطرح شد. تدوین ضوابط و معیارهای قانونی و هماهنگی میان توسعه و حفاظت، از نکات مورد تأکید این بیانیه است (همان).

نتیجه‌گیری

بشر از دیرباز به جاودان ساختن خواست‌ها و باورها و اندیشه‌های خود درقالب نقاشی، کنده‌کاری، سنگ‌تراشی و حجاری، ساخت تندیس‌ها و سنگ نوشته‌ها، ستون‌های یادبود، سنگ‌های مرزی و... پرداخته است. این امر نشان می‌دهد مفهوم پایداری در زندگی سنتی ریشه دارد. مسأله ثبت و مفهوم ارزش همواره ارتباطی تنگاتنگ داشته‌اند. هرآنچه دارای بارِ ارزشی است، ثبت شده و چیزی که ثبت شده، ارزشِ جاودانه شدن را داشته و دارد. قرار گرفتن یک ارزش در فرایند توسعه پایدار در ابعاد گوناگون آن (ابعاد اجتماعی پایداری، ابعاد محیطی پایداری و ابعاد اقتصادی پایداری)، نیازمند حفاظت از آن در ادوار مختلف است. موضوع «ثبت» سازوکاری است که این مهم را از گذشته‌ای دور تا آینده‌ای نزدیک امکان‌پذیر می‌کند.بنابراین انجام ثبت درست و علمی، آغازی برای فرایند توسعه پایدار استو هرگونه اتخاذ تصمیم در

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]

مورد سیاست‌های توسعه و احیاء شهری و همچنین تخصیص منابع متضمن به‌کارگیری ارزش‌هایی است که می‌تواند با توجه به نیازهای انسانی و برگرفته از نظر استفاده‌کنندگان هر محیط باشد.

منابع

اسدپور، علی. (۱۳۸۵). *الگوی پایداری در معماری کویر ایران*. همایش علمی منطقه‌ای معماری کویر.

برزگر، ع. (۱۳۷۵). فرهنگ و توسعه. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۱۱۴-۱۱۳)، ۳۲-۳۵.

بشیریه، ح. (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر جامعه شناسی ایران*. تهران: نشر نگاه معاصر.

جنسن، هورست ولدمار. (۱۳۷۹). *تاریخ هنر*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ سوم.

جودت، محمدرضا. (۱۳۸۰). معماری پایدار. *فصلنامه معماری ایران*، (۵).

حجت، مهدی. (۱۳۸۰). *میراث فرهنگی در ایران؛ سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

حقیقی، علی محمد. (۱۳۸۸). بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار (تحلیل موردی فرهنگ ایران)، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، (۳۷ و ۳۸)، ۷۶-۸۶.

رضائی نیا، ع، (۱۳۸۶)، سیر تحول هنری نقش برجسته‌های صخره‌ای ایران، *گلستان هنر*، (۱۰)، ۸۷-۱۰۴.

رضوانی، علیرضا. (۱۳۸۴). *در جستجوی هویت شهری*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

رهنما، محمدرحیم. (۱۳۸۸). *شناسایی نقاط با ارزش شهری*. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

سفلایی،فرزانه. (۱۳۸۲). پایداری‌عناصر اقلیمی در معماری سنتی ایران. مجموعه مقالات سومین همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان.

فیلدن، برنارد؛ و یوکا یوکیلیهتو، یوکا ،(.(۱۳۸۶)،. *راهنمای مدیریت برای محوطه های میراث جهانی*. ترجمه پیروز حناچی. تهران:، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.

قهرمان‌پور، رحمن. (۱۳۸۱)، «جهانی شدن و توسعه پایدار در کشورهای درحال توسعه»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، (۳)، ۱۳۴-۱۵۴.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ پانزدهم.

مختارامبو، ا. (۱۳۶۱). میراث یگانه جهانیان. *ماهنامه پیام یونسکو*، اسفند ۱۳۵۸، فروردین ۱۳۵۹.، (۱۲۱)، ۴.

مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۸). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزیینات معماری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ دوم.

موسوی، سعید. (۱۳۸۳). بوم شناسی در معماری نورمن فاستر. *دو فصلنامه معمار*، (۲۶)، ۱۹-۲۱.

نظری‌زاده، علی. (۱۳۸۵). طبیعت و معماری. همایش بین‌المللی شهر برتر، طرح برتر، همدان.

نگهبان، عزت‌الله. (۱۳۸۵). *مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور(پژوهشگاه).

English heritage. (2008). Conservation Principles Policies and Guidance. London: English heritage.

Wehmeier, s. (2005). Oxford Advanced Learner's Dictionary. Oxford: Oxford University press.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-05-21]